شنبه اول دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۰۹
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

معاون فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از جشن یلدای پرحاشیه این دانشگاه و... گفت

تشکل‌ها برنامه نداشتند، خودمان مدیریت کردیم!

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

دانشگاه علامه طباطبایی امسال آذر پرحاشیه‌ای را پشت سر گذاشت. ماهی که اولین حاشیه‌هایش را باید مربوط به برگزاری برنامه‌های روز دانشجو و به حاشیه رفتن تشکل‌ها دانست. واقعیت آن است که معاونت فرهنگی و اجتماعی این دانشگاه برای روز دانشجوی امسال، ترجیح داد به جای آزادی عمل به تشکل‌ها، خود سکاندار اصلی برگزاری برنامه‌ها باشد تا جایی که میزبان اصلی حضور سخنگوی دولت در این دانشگاه هم همین معاونت بود! اتفاقی که معمولا سابقه ندارد و همیشه این تشکل‌ها هستند که بار اصلی را برای هماهنگی و طراحی برنامه‌های مرتبط با این روز برعهده می‌گیرند. البته حواشی تنها اینجا خلاصه نشد و برگزاری جشن آن هم به مناسبت شب یلدا بار دیگر توجهات را به این دانشگاه جلب کرد. جشنی که هرچند در ابتدا جزء برنامه‌های عادی فرهنگی محسوب می‌شد اما انتشار فیلم‌هایی از رقص و پایکوبی دانشجویان آن هم در حیاط دانشگاه و جلوی چشم رئیس دانشگاه، نشان می‌داد معاونت فرهنگی این دانشگاه از یک سو بستر را برای فعالیت‌های تشکل‌ها باز نمی‌گذارد و از سوی دیگر نظارتی بر روند برنامه‌ها ندارد. البته فائز دین‌پرست که این روزها در کسوت معاون فرهنگی و اجتماعی در این دانشگاه حضور دارد، معتقد است کم‌کاری خود تشکل‌ها باعث شد تا این معاونت در تدارک برنامه‌های روز دانشجو ورود کند. اما وقتی پای اتفاقات جشن یلدای این دانشگاه به میان می‌آید، این مقام مسئول اعتقادش آن است که حرکات رخ‌داده تنها ناشی از شادمانی دانشجویان بوده و در شرایط فعلی برنامه‌های فرهنگی باید متناسب با ذائقه دانشجوی امروز باشد و به صرف وجود برخی حواشی نباید اصل برگزاری برنامه‌های مفرح را زیر سوال برد! از آنجایی که پاسخ‌های این مقام مسئول درباره اتفاقات رخ‌داده دو برنامه روز دانشجو و جشن یلدا قانع‌کننده نبود؛ این سوال مطرح می‌شود که چگونه این معاونت می‌تواند در روند برگزاری برنامه‌های روز دانشجو نقش جدی ایفا کند اما از بروز حواشی‌ای مانند جشن یلدا جلوگیری نکند. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

۱۶ آذر را باید یکی از مهم‌ترین روزها برای تشکل‌های دانشجویی از حیث برگزاری برنامه‌ها دانست؛ موضوعی که امسال معاونت فرهنگی و اجتماعی این دانشگاه به‌جای واسپاری برنامه‌ها، خود سکاندار اصلی برنامه‌ها بوده، چرا امسال بهای کمتری به تشکل‌ها برای هماهنگی برنامه‌ها داده شد؟

درباره برنامه‌های ۱۶ آذر و به‌طورکلی درباره آذر پرشور دانشگاه علامه طباطبایی باید کمی به عقب‌تر برویم و فراتر از یک رویداد خاص به این مسئله نگاه کنیم. اساساً نگاه‌مان به نهاد دانشگاه چیست؟ فعالیت‌های دانشجویی چگونه باید سامان پیدا کند و نقش بخش رسمی دانشگاه در این فضا چه می‌تواند باشد؟ اگر بتوانیم مبنای نظری محکم و قابل‌دفاعی داشته باشیم، برنامه‌ها و رویدادها در نسبت با این مبنای نظری نظری قابل‌ارزیابی خواهد بود. دانشگاه فضایی متکثر و چندصدایی است، ذات دانشگاه اصولاً مبتنی‌بر پذیرش تنوع است. آموزشی هم که در دانشگاه به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی داده می‌شود، از آنجایی که به خوداندیشی افراد کمک می‌کند، عملاً باعث می‌شود با تنوع فزاینده در دانشگاه روبه‌رو باشیم. تا جایی که می‌بینیم دانشجو حتی با یک نگاه وارد می‌شود ولی بعد از یک‌سال دچار بازاندیشی می‌شود و این را باید به‌عنوان ویژگی دانشگاه قلمداد کرد. البته نمی‌خواهم بگویم هر تغییری که در دانشگاه رخ می‌دهد لزوماً مثبت یا منفی است و اصلاً در مقام ارزش‌گذاری نیستم اما می‌خواهم بگویم نهاد دانشگاه بسترساز تغییر، پویایی و تحول است. اگر اقدامی در دانشگاه انجام می‌دهیم باید مبتنی‌بر این ویژگی‌های دانشگاه باشد.

یکی از ابعاد فعالیت دانشجویی در دانشگاه، عرصه کنشگری اجتماعی و سیاسی است و این هم در همه دنیا در نهاد دانشگاه دیده می‌شود. جنبش‌های دانشجویی نقش مهمی در جریان‌های اجتماعی و سیاسی دنیا داشته‌اند. در ایران نیز از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ تحرکات دانشجویی وارد فاز جدی‌تری شد. در دوران انقلاب اسلامی حرکت جنبش دانشجویی را جدی می‌بینیم. پس از انقلاب اسلامی، نقش‌آفرینی جنبش دانشجو در تسخیر سفارت آمریکا دیده می‌شود. تا همین امروز در مقاطع مختلف جنبش دانشجویی بخش مهمی از پویایی سیاسی کشور بوده است. دانشجویان به اقتضای شرایط و درکی که از شرایط دارند، فعالیت‌هایی داشته‌اند، البته شاید بعد از تغییر آن شرایط بگوییم که مثلاً فلان کنش چندان هم درست نبوده، اما موضوع اصلی آن است که دانشجو به عنوان عنصر فعال جوان و آگاه احساس می‌کند که نسبت به جامعه خود مسئول است و باید کنش‌هایی را انجام دهد. به همین دلیل برآیند این حرکت‌های دانشجویی مثبت بوده است.

با این دو مقدمه باید مشخص کنیم که آیا می‌خواهیم دانشگاه را به‌عنوان کانونی تلقی کنیم که یک صدای مشخص و در چهارچوب خاص از آن بیرون بیاید؟ یک نگاه آن است که اصلاً هیچ صدایی از دانشگاه بیرون نیاید. در دهه ۷۰ به‌درستی مقام‌معظم‌رهبری این موضوع را مورد نقد قرار داده و با تعبیر تند فرمودند خدا لعنت کند دستانی را که نمی‌گذارند دانشجو و دانشگاه ما سیاسی باشد. اصولاً دانشگاه نمی‌تواند بدون وجه کنشگری اجتماعی دانشجو باشد. اساساً نمی‌توان جامعه ایران را که در طول کمتر از ۱۰۰ سال دو انقلاب را سامان داده، غیرسیاسی کرد. حال یک نگاه آن است که صورت ظاهر این سیاسی شدن دانشگاه را بپذیریم ولی در مقابل تلاش کنیم که تنها صداهای محدود و مشخصی از آن بیرون بیاید و نگاه دیگر آن است که اجازه دهیم تنوعی که درون دانشگاه و در بدنه دانشجویی وجود دارد خودش را بروز دهد. ممکن است افرادی که به دنبال تک‌صدایی‌اند نیز با نگاه دلسوزانه و معطوف به نتیجه، عملاً تک‌صدایی را مطرح کنند. این نگاه درست نیست، بلکه با ذات سیاسی بودن هم سازگار نیست؛ چراکه اگر زمینه و بستر ظهور صداهای مختلف را به صورت رسمی فراهم نکنید، آن‌ها زیرزمینی شده و رادیکال می‌شود و همان اتفاقاتی رخ می‌دهد که ما در سال ۱۴۰۱ بعضا در دانشگاه‌ها شاهد بودیم برخی گفتارهای مطرح‌شده در صحن برخی دانشگاه‌ها، حقیقتاً موهن و دون شأن دانشگاه و دانشجو بود. مردم تندوتیز بودن شعارها و ارزیابی محتوای سیاسی آن‌ها نیست، بلکه مقصودم گفتارهایی است که دور از ادب انسانی و اخلاق آکادمیک بود. یکی از دلایل بروز آن اتفاقات ناگوار این بود که کانال‌ها و بسترهای لازم برای ابرازگری دانشجو عملاً مسدود شده بود و دانشجو احساس می‌کرد نمی‌تواند در مسیرهای جدی و رسمی سخن واقعی‌اش را مطرح کند.

به اتفاقات رخ‌داده در روز ۱۶ آذر در دانشگاه علامه طباطبایی برگردیم، نگاه معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه به فعالیت‌های دانشجویی را چطور تعریف می‌کنید؟

ما قائل به آنیم که دانشگاه باید پذیرای تکثر و تنوع گفتارهای سیاسی دانشجویان باشد؛ چراکه تک‌صدایی نه ممکن است، نه مطلوب. تک‌صدایی بودن با ارمان‌ها وی انقلاب اسلامی به یک انقلاب بزرگ مردمی تناسبی ندارد. درباره داستان ۱۶ آذر باید بگویم آنچه در ابتدا باید بگویم آن است که بنا به دلایل مختلف دانشگاه ما پذیرای تشکل‌های متنوعی در طول سال‌های گذشته نبوده است. البته منظور از متنوع، متعدد نیست؛ چراکه گاهی تشکل‌های متعدد داریم اما متنوع نیستند. هرچند ما از تعدد تشکل‌ها هم استقبال می‌کنیم؛ چراکه این اتفاق هم انعکاس هرچند محدودی از یک تنوع است، یعنی دو تشکلی که درحقیقت هم‌راستا نیز هستند، باز هم در برخی موارد تفاوت دیدگاه‌هایی خواهند داشت و باید از فعالیت‌هایشان استقبال کرد که ما هم این کار را می‌کنیم.

موضوع دیگری که باید به آن اشاره کنم، این است که اصولاً بخش قابل توجهی از دانشجویان امروز خودشان را مخاطب هیچ‌گونه از فعالیت‌های این تشکل‌ها نمی‌دانستند. حتی اگر بخواهم بحث را فراتر ببرم هم باید بگویم دانشجویان حتی خودشان را مخاطب فعالیت‌های فرهنگی به معنی اهم آن نیز نمی‌دانند. این مسأله برای معاون فرهنگی دانشگاه یک علامت خطر است که چرا چتر فرهنگی‌مان بالاسر تعداد محدودی از دانشجویان قرار دارد؟ وقتی در معاونت فرهنگی نتوانیم بستر را برای ظهور و نقش‌آفرینی دانشجویان با علایق مختلف فراهم کنیم، خطری که بعضا در سال ۱۴۰۱ نیز شاهد آن بودیم، بسیار نزدیک می‌شود.

عدم تنوع در تشکل‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی باعث شد نقش‌آفرینی معاونت فرهنگی در روند برگزاری برنامه‌ها پررنگ‌تر از خود تشکل‌ها شود؟

یکی از دلایلش آن بود. یعنی تلاش می‌کردیم برنامه‌هایی در دانشگاه برپا شود که طیف وسیع‌تری از دانشجو مخاطب آن شود. همچنین به یک اصل دیگر هم قائل بودیم و آن هم اینکه هرچه معاونت فرهنگی دانشگاه تولی‌گری‌اش در برگزاری برنامه‌های فرهنگی محدودتر باشد؛ بهتر است. بنده به یک اصل در دانشگاه قائلم و آن هم اینکه امر فرهنگی محدود به معاونت فرهنگی نیست و همه کنشگران دانشگاه چه بخواهند و چه نخواهند کنش فرهنگی خواهند داشت. از سوی دیگر معاونت فرهنگی را هم نباید صرفاً به فعالیت تشکل‌ها اعم از سیاسی، انجمن‌های علمی و کانون‌های فرهنگی تقلیل داد؛ بلکه این معاونت باید نقش بسترساز را برای شکل‌گیری و تکثر فعالیت‌های مختلف فرهنگی داشته باشد. به همین دلیل برای ما ایفای نقش تشکل‌هایمان در این حوزه مهم بود.

تا چه میزان بستر لازم برای نقش‌آفرینی تشکل‌ها در برگزاری برنامه‌های ۱۶ آذر امسال ایجاد شد؟

رویکرد ما به تشکل‌ها، بسترسازی است و به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهم معاونت فرهنگی نقش آقابالاسر نسبت به فعالیت‌های دانشجویی داشته باشد. معتقدم هرکدام از سازمان‌های دانشجویی که در دانشگاه فعالیت می‌کنند باید حدی از خودمختاری و استقلال عمل را داشته باشند و به همین دلیل به عنوان معاون فرهنگی نمی‌توانم به تشکلی انجام دادن کاری را تحمیل کنم و تنها می‌توانم مشورت بدهم. البته نقش سلبی هم خواهم داشت و آن زمانی است که بر اساس ضوابطی که قانون به ما تکلیف کرده، فعالیتی خلاف ضوابط موجود باشد. در اینجا به طور مثال از طریق هیئت نظارت بر تشکل‌ها جلوی اجرای آن را خواهیم گرفت و در غیر این صورت با هر نوع فعالیتی موافقیم؛ هرچند که شاید در برخی موارد نگاه کارشناسی متفاوت‌تری هم داشته باشیم. با این مبنا دیگر نمی‌توانم به تشکلی بگویم حتماً برای ۱۶ آذر باید برنامه‌ای داشته باشد؛ چراکه در اینجا تصمیم‌گیری در این خصوص برعهده خود تشکل است.

در همین خصوص هم باید بگویم در اواخر آبان یا اوایل آذر جلسه مفصل ۳ ساعته را با تشکل‌ها برگزار و در آنجا رویکردمان را نسبت به برنامه‌های ۱۶ آذر اعلام کرده و از تشکل‌ها خواستیم برنامه‌ریزی‌هایشان را اعلام کنند تا اگر دانشگاه می‌تواند کمکی برای تحقق برنامه‌هایشان داشته باشد، انجام دهد. تشکل‌ها نیز برخی از برنامه‌هایشان را اعلام کردند اما در مجموع گفتند هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌اند. حتی در همان جلسه گفتیم اگر به دنبال دعوت از شخصیت خاصی هستید بگویید تا از همه ظرفیت دانشگاه استفاده کنیم. حتی بعد از این جلسه نیز مکرراً از ۳ تشکل بسیج، انجمن اسلامی عضو دفتر تحکیم وحدت و انجمن اسلامی دانشجویان مستقل خواستیم برنامه‌هایشان را بگویند. حتی تا چند روز مانده به ۱۶ آذر هم هیچ‌کدام از تشکل‌ها، برنامه‌ای را اعلام نکرده و نگفتند مثلاً به دنبال دعوت فلان شخصیت هستند. از سوی دیگر این انتظار هم از ما وجود داشت که برای ۱۶ آذر بالاخره برنامه‌ای مهم در دانشگاه برگزار شود.

در همین فضا چند دانشجو به معاونت فرهنگی مراجعه کردند که برخی از آن‌ها قبلاً در تشکل‌هایی که در طول ۲ و ۳ سال گذشته منحل شده‌اند، فعالیت می‌کردند و یا برخی از آن‌ها در طول یک سال گذشته در قالب کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه فعالیت می‌کردند که آن‌ها درخواست‌های مشترکی را ارائه کردند. ما نیز بررسی کردیم و دیدیم بر اساس ضوابط کرسی‌های آزاداندیشی، قانوناً اگر ۳ دانشجو درخواست دهند می‌توان یک کرسی آزاداندیشی برگزار کرد که یکی از قالب‌های این برنامه هم کرسی مطالبه‌گری است که با حضور یک مقام مسئول کشوری برگزار می‌شود. در این شرایط ما نیز از پیشنهاد استقبال کرده و دعوت از سخنگوی دولت در دستور کار معاونت فرهنگی دانشگاه قرار گرفت تا برگزارکننده این برنامه باشد. البته حرف‌مان با دانشجویان درخواست‌کننده آن بود که اگر معاونت فرهنگی میزبان باشد، علاوه بر اینکه باید ضوابط کرسی‌های آزاداندیشی رعایت شود، باید همه تشکل‌ها هم در آن تریبون داشته باشد. یعنی نمی‌توانیم تنها تریبون را به شما اختصاص دهیم. با این منطق بود که معاونت فرهنگی میزبانی برنامه اصلی ۱۶ آذر را برعهده گرفت.

دعوت از سخنگوی دولت هم پیشنهاد خود دانشجویان بود؟

بله. البته شخصیت‌های دیگری را هم مطرح کرده بودند که به آن‌ها در مقام مشورت گفتیم که مثلاً فلان شخصیت شاید به دلیل شرایط امروز کشور درخواست را قبول نکند. این را هم باید بگویم که ۳ تشکل اصلی دانشگاه علامه نیز در طول برگزاری برنامه‌های مربوط به روز دانشجو، جمعاً حدود ۲۰ برنامه را برگزار کردند و برای اینکه این برنامه‌ها هم به خوبی برگزار شود، ما هفته قبل از آغاز برنامه‌های روز دانشجو، ۴ بار جلسه نظارت بر تشکل‌ها را در یک هفته برگزار کردیم که در کمترین زمان ممکن، درخواست‌های دانشجویان بررسی شود. یعنی بستر برای فعالیت تشکل‌ها کاملاً مهیا بود اما حرف تشکل‌های ما در برخی موارد این بود که چرا مقامات مسئول دعوت تشکل‌ها را اجابت نمی‌کنند که ما نیز با آن‌ها هم‌راستا بودیم. دلیل این مسئله هم به نظرم آن است که اولاً ما تعدد تشکل‌ها را در دانشگاه‌های مختلف داریم و به همین دلیل شاید برای یک وزیر مثلاً ۲۰ تا ۳۰ دعوتنامه از سوی دانشگاه‌های مختلف داشته باشد که شاید هیچ‌کدام به نتیجه نرسید. قسمت دیگر هم شاید ملاحظات خود مقامات باشد. البته باید این را هم بگویم آن طور که ما شنیدیم دعوتنامه تشکل بسیج علامه طباطبایی برای حضور از سخنگوی دولت، ۱۴ آذر ماه به دستش رسیده و چون این دعوت‌نامه دیر به دستش رسیده بود، امکان حضور در برنامه بسیج وجود نداشت. البته آن هم زمانی فهمیدیم که ما پوستر برنامه مربوط به خودمان را منتشر کردیم و آنگاه متوجه دعوت بسیج از این مقام مسئول شدیم.

با وجود اینکه عملاً امکان برگزاری برنامه‌ها از سوی تشکل‌ها وجود نداشت، هدف‌گذاری‌تان برای برگزاری برنامه‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اولین موضوعی که در این جلسه برای ما اهمیت داشت، این بود که اولاً چندصدایی در آن محقق شود. موضوع دیگر هم آن بود که شور دانشجویی را شاهد باشیم. شاید پیش‌تر هم برنامه‌هایی را در روز دانشجو حتی با حضور چهره‌های شاخص داشتیم اما چون دانشجو آن را از خودش نمی‌دانست، در جلسه شرکت نمی‌کرد و شاید این فضا در بسیاری از دانشگاه‌های کشور در ۶ و ۷ سال گذشته وجود داشته است، اما جلسه‌ای که در دانشگاه علامه برگزار شد، به نوعی بازگشت شور به برنامه‌های ۱۶ آذری بود. نکته سوم آن بود که خطوط قرمز کشور و مصالح کلان ملی رعایت شده و همچنین دانشجویان علی‌رغم تکثری که دارند، به درگیری نرسند که خوشبختانه همه این اهداف رخ داد. یعنی دانشجویان به صراحت و عدالت همه حرف‌هایشان را زده و خطوط نظام هم مخدوش نشد و علی‌رغم پرشور شدن سالن، شاهد درگیری فیزیکی هم نبودیم و شاهد بلوغی از سوی طیف‌های مختلف دانشجویان بودیم. هرچند شاید در رسیدن به هدف تحقق یک گفت‌وگوی سالم و آرام در این جلسه موفق نبودیم، اما در راستای ایجاد جو پرشور و نشاط و متنوع دانشجویی حتماً موفق بوده‌ایم.

حواشی آذر ماه برای دانشگاه علامه طباطبایی تنها به اتفاقات روز دانشجو خلاصه نمی‌شود، بلکه انتشار فیلم‌هایی از جشن شب یلدا نشان‌دهنده انجام حرکات خارج از عرف توسط تعدادی از دانشجویان است. چرا نظارتی بر روند این جشن آن‌طور که انتظار می‌رود، صورت نگرفته بود؟

در ابتدا برای پاسخ به این سوال باید بگویم مطالعات نشان می‌دهد آمار افسردگی، آسیب‌های اجتماعی و روانی در فضاهای دانشجویی کشور بسیار جدی است که برخی از این آمارها هم در قالب پژوهش‌های علمی منتشر شده است. همچنین مطالعاتی مانند ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که آخرین مورد آن در سال ۱۴۰۲ صورت گرفته، نشان می‌دهد تغییرات مهمی در نگرش‌ها و ارزش‌های جوانان کشور رخ داده است. به موازات نهاد آکادمیک، یک زیست فرادانشگاهی حال‌شکل‌گیری است که زیست علمی، فرهنگی، هنری و سیاسی را عملاً به بیرون دانشگاه برده است. همه این اتفاقات ما را به این نقطه رساند که نیازمند طراحی و بسترسازی برای ایجاد یک فضای فرهنگی شاداب و پرنشاط برای دانشجویان هستیم. با تأکیدات متعددی از سوی مقام‌معظم‌رهبری روبه‌رو هستیم که یکی از وظایف اساتید را امیدآفرینی و ایجاد فضای پرنشاط در دانشگاه‌ها می‌دانند. حالا وقتی می‌خواهیم این فضا را ایجاد کنیم، باید به مختصات نسل جوانی که امروز با آن‌ها در دانشگاه‌ها روبه‌رو هستیم، توجه کنیم. از این رو نگاه‌مان در حوزه فرهنگی باید یک نگاه دقیقی باشد. نگاهی که در تعبیر رهبر معظم انقلاب هم در حوزه مدیریت فرهنگی می‌توان از آن به عبارت «باغبانی فرهنگی» تعبیر کرد. یعنی گاهی به عرصه فرهنگی به مثابه حوزه نجاری نگاه می‌کنیم که افراد در آن را می‌توان شکل داد؛ این نگاه حتماً غلط است و اگر هم آن را در برخی موارد دنبال کرده‌ایم، حتماً به نتیجه نرسیده‌ایم. اما یک نگاه مترقی هم داریم که در آن باغبانی فرهنگ را داریم که در آن افراد مانند گیاهانی هستند که قابلیت‌ها، نیازها و ویژگی‌های متفاوتی دارند و به عنوان باغبان، وظیفه اول آن است که آن تنوع را به رسمیت شناخته و به آن احترام بگذارد. نکته دیگر در کار فرهنگی برقراری ارتباط با دیگران است؛ قطعاً تا زمانی که این ارتباط برقرار نشده، نمی‌توان مفاهیم فرهنگی را به دیگران منتقل کرد. وظیفه مدیر فرهنگی هم آن است که اولاً این تنوع را شناخته و مختصات را بداند و متناسب با ویژگی‌های تنوع‌های مختلف، خوراک لازم را ارائه داده و البته گاهی هم هرس لازم را انجام دهد. یعنی نگاه باغبانی فرهنگ هم نگاه ایجابی و هم سلبی به عرصه فرهنگی دارد. ما نیز با همین نگاه به دنبال ایجاد فضای شاداب و پرنشاطی در دانشگاه بودیم که یکی از بسترهای رسیدن به این فضا، استفاده از مناسبت‌هایی است که می‌تواند این شادابی را برای دانشجو با یک نگاه ارزشمند و همچنین توجه به یکی از مؤلفه‌های ضرورت مهم فرهنگی یعنی هویت ملی به ارمغان بیاورد. برنامه اخیر دانشگاه علامه طباطبایی به بهانه جشن یلدا، عملاً فضایی برای تقویت همبستگی و ارتباط دانشگاهی، ایجاد حس تعلق و ایجاد فضای بانشاط بود.

برای رسیدن به فضای شاداب در بین دانشجویان، آیا حتماً نیاز است که اجازه دهیم برنامه‌ای از فضای اصلی خود خارج شده و دانشجویان حرکات خلاف عرف انجام دهند؟

به صراحت باید بگویم که جشن یلدای این دانشگاه به هیچ عنوان از فضای خودش خارج نشده است. مسئله مهم اینکه مدیریت فرهنگی تراز انقلاب اسلامی هم قائل به آزادی و هم مسئولیت است و مراد هم آزادی، هم رها بودن و بی‌قید و بند بودن نیست. درباره این برنامه هم باید بگویم که اصلاً چنین اتفاقی رخ نداده است. این برنامه با داشتن این نگاه که دانشجویان یک فضای شاداب را در چهارچوب ضوابط و متناسب با استانداردهای دانشگاهی تجربه کنند، طراحی شده است. به همین منظور هم به دنبال آن بودیم که تعامل بین استاد و دانشجو را نزدیک‌تر کنیم و یکی از ضرورت‌های بایسته مدیریت فرهنگی در دانشگاه، بحث شاگردپروری است و این موضوع هم در محیط رسمی کلاس محقق نمی‌شود؛ چراکه شاگردپروری در فضای غیررسمی مانند همین جشن‌ها، حضور اساتید در خوابگاه‌ها، اردوها، مسجد و... رخ می‌دهد. در این جشن هیچ‌گونه صندلی ویژه‌ای به اساتید اختصاص ندادیم و دانشجویان در کنار اساتید قرار داشتند. حتی سخنرانی رسمی هم نداشتیم. اما سخنرانی ناظر به مؤلفه‌های هویت ملی را از سوی استاد جلال‌الدین کزازی داشتیم. برای موسیقی این برنامه هم از محمد معتمدی که جزو خوانندگان وزین کشور است، استفاده کردیم و دانشجوی ما هم در این برنامه هم با افتخار به سرود رسمی کشور ادای احترام می‌کند و هم در انتهای برنامه سرود نوستالژیک «ای ایران» را همخوانی می‌کند. در مجموع طراحی برنامه با هدف تقویت هویت ملی آن هم در شرایطی که امروز از هر سو تیری روانه کشور می‌شود، انجام شده است.

در جشنی که ۴ ساعت با حضور هزار و ۷۰۰ دانشجو به طول انجامید، برخی از دوستان خوش‌سلیقه یا حساس بگردند و در گوشه و کنار سالن حواشی‌ای در حد یکی و دو دقیقه پیدا کنند و به‌واسطهٔ آن بخواهند کلیت برنامه را زیر سوال ببرند، واقعاً به‌دور از انصاف است. ۳ و ۴ دانشجوی پسر حرکاتی را انجام داده‌اند که آن هم با توجه به ویژگی‌های سنی دانشجویان و مقتضیات هیجانی آن‌ها قابل درک است، البته حتماً قابل دفاع نیست. یعنی این حرکت حتماً اقدام نادرستی است، اما طبیعتاً در جشنی به این بزرگی اینکه انگشت‌شماری حرکتی را انجام دهند که قابل دفاع نباشد، باعث نمی‌شود که کل حرکت را غیرقابل دفاع کنیم؛ چراکه این قبیل اتفاقات طبیعی است و اصلاً باید بگوییم که دستمریزاد که چنین حرکتی را انجام داده‌ایم و هنجارشکنی و حرکات خلاف عرف هم در حد یکی و دو دقیقه بوده است. البته این دانشجویان هم تذکر گرفته‌اند؛ البته منظور تذکر حراستی نیست، بلکه با یک جمله‌ای که از سوی اساتید خود دریافت کردند، در کمتر از چند دقیقه آن مسئله پایان می‌گیرد. آیا این موضوع جای افتخار ندارد که بگوییم دانشجوی ما به حدی فرهنگ ایرانی-اسلامی کشور را پاس می‌دارد و با غرور در چنین جشنی شرکت می‌کند و حتی اگر تعدادی هم حاشیه‌ای ایجاد می‌کنند، بدون هیچ غرضی بوده است؟ به طوری که وقتی به آن تذکر داده می‌شود، بلافاصله آن حرکت را تمام می‌کنند و این مسئله نشان‌دهنده درک دانشجویان ما است؟ حالا ما از این جشن خوراکی برای رسانه‌های ضدملی تهیه کنیم.

فیلم‌های منتشرشده نشان می‌دهد حرکات خلاف چهارچوب نه‌تنها در سالن نبوده، بلکه از سوی دانشجویان دختر در حیاط دانشگاه و آن هم درحالی‌که رئیس دانشگاه در بین آنها حضور داشته، رخ داده است.

بله. این فیلم در سالن نبوده است و درثانی بعد از رفتن رئیس دانشگاه رخ داده است. جشن ساعت ۲۱ و ربع تمام شد و ساعت ۲۰ رئیس دانشگاه به دلیل جلسه‌ای از سالن خارج می‌شود و در طول مسیر هم برخی از دانشجویان از جمله دانشجویان بین‌المللی با رئیس دانشگاه عکس می‌گیرند و ایشان هم برای خروج به حیاط دانشگاه می‌رود. از سوی دیگر اصلا در فیلم منتشرشده هم رقصی وجود ندارد، بلکه یک ابراز ذوق و شادمانی است و آن هم بعد از رفتن رئیس دانشگاه از بین دانشجویان است. البته این را هم بگویم که دکتر احمدوند در همان برهه با بنده تماس و عنوان کرد تعدادی از دانشجویان در حیاط دانشگاه تجمع کرده‌اند و این تجمع هم تنها با یک یادآوری به دانشجویان تمام شد. نگاه کنید ما تصاویری به‌مراتب فراتر از آنچه در این فیلم است را در مناسبت‌های دیگر نظیر راهپیمایی ۲۲ بهمن مشاهده می‌کنیم، حالا به‌خاطر اینکه در این راهپیمایی شاید ۴ نفر حرکاتی را انجام دهند که زیبنده آن مراسم نیست، ما کل راهپیمایی را تعطیل می‌کنیم؟ یا راهپیمایی را محکوم می‌کنیم؟

یعنی شما از این اقدام دانشجویان دفاع می‌کنید؟

خیر و طبیعی است که باید دقت شود تا این‌گونه اتفاقات کمتر رخ دهد. اما از اصل برگزاری جشن یلدای دانشگاه آن هم با این کیفیت و طراحی حتما دفاع کرده و فکر می‌کنیم از ضرورت‌های لازم برای اقدام فرهنگی در دانشگاه‌ها محسوب می‌شود؛ چراکه در مقابل افسردگی که امروز در بین دانشجویان داریم، باید فضاهای شاداب را ترویج کنیم. اما آیا این حاشیه یکی و دو دقیقه‌ای را هم جزء برنامه می‌دانیم؟ قطعا خیر و حتما باید این حاشیه‌ها مدیریت شده و شایسته جمع دانشجویی نیست. البته دانشجویانی هم داشتیم که حرکات شادمانی هم داشتند که مخالف شأن دانشجو هم نبوده است. به‌طور مثال شاید تعدادی از دانشجویان در زمان خواندن سرود ای ایران، اقدام به انجام موج مکزیکی کرده باشند و این را هم باید جزو حاشیه قلمداد کرد و حتی شاید بنده هم این حرکت را نپسندم، اما نگاه تنوعی ایجاب می‌کند که کمی این بحث را مفصل‌تر نگاه کنیم. اینکه بخواهیم به‌خاطر برخی از حساسیت‌هایی که نسبت به بعضی از ارزش‌های دینی داریم به برخی دیگر از ارزش‌هایمان بی‌توجهی کنیم، اسمش را کج‌سلیقگی می‌گذاریم و خوراک هم برای کسانی که دشمن این آب و خاک هستند، درست می‌کنیم. همین مسئله باعث می‌شود تا مدیریت فرهنگی‌مان رو به محافظه‌کاری بیاورد تا به‌اصطلاح گربه شاخش نزد.

از نگاه شما پرداختن به چنین موضوعاتی اشتباه است؟

یکی از آسیب‌های فعالیت‌های فرهنگی در کشور ما همین است که ما بیش از اندازه محافظه‌کار شده‌ایم. این مسئله باعث شده اقدامات فرهنگی در کشور ما به گزارش عملکرد تبدیل شود. یعنی من مدیر فرهنگی بیشتر از اینکه به اثربخشی و ارتباط با مخاطب برنامه فکر کنم، تنها به این فکر باشم که اقدامی را انجام دهم که حاشیه‌ای نداشته باشد و این افت محسوب می‌شود. قطعا بنده به عنوان معلم نمی‌توانم نسبت به آینده این جوانان بی‌توجه باشم. اگر بنده اسم خودم را انقلابی گذاشته‌ام، نمی‌توانم خودم را مسئول چهاردیواری دانشگاه بدانم و بگویم دانشجو باید حتما یک‌سری ضوابط را در اینجا رعایت کند تا گزندی به من مدیر نرسید اما بیرون از دانشگاه هر اتفاقی بیفتد و هزاران آسیب به جوان ما برسد، مهم نیست. وقتی فضای دانشگاه را محدود می‌کنیم، آیا نتیجه طبیعی‌اش این نمی‌شود که دانشجو دانشگاه را تنها به عنوان کلاس درس اجباری تلقی کند و دیگر ارتباط عمیقی بین او و استادش ایجاد نشود؟ در این شرایط شاگردپروری رخ نمی‌دهد؟ این محافظه‌کاری بلای جان انقلاب اسلامی و بلای جان کشور است و حتما مدیریت فرهنگی تراز انقلاب با این نگاه نمی‌تواند نسبتی داشته باشد.

چگونه می‌توان بین تفاوت‌های دیدگاه نسل امروز دانشجو و انجام برنامه‌های فرهنگی با حفظ شئون و قوانین تناسبی ایجاد کرد؟

اولا که اگر می‌خواهیم مشقی بنویسیم که غلط نداشته باشد، اصلا نباید آن را نوشت. اما اگر مشقی می‌نویسیم که از ۲۰، نمره ۱۸ می‌گیرد باید به آن آفرین گفت. این منفی‌بافی است که بگوییم مشق نوشته شده ۲ غلط دارد، هرچند که باید بگوییم در جشن یلدای دانشگاه علامه طباطبایی همان ۲ غلط هم به‌سرعت تصحیح شده است. نگاه کنید در این جشن هزار و ۷۰۰ نفر شرکت داشتند اصلا هم نمی‌گوییم ۴ نفر، می‌گوییم ۲۰ نفر از دانشجویان حرکتی را انجام داده‌اند اما باز هم حدود یک درصد خطا را در کل برنامه داشته‌ایم. اصلا چه کاری را می‌توان انجام داد که خطا نداشته باشد؟ شما در تولیدات صنعتی هم ضریب خطا و ضایعات حدود ۲ تا ۵ درصد دارد. واقعا کدام کار فرهنگی در کشور سراغ داریم که میزان خطای آن اینقدر پایین باشد؟ در همین هلهله دانشجویان، هم دانشجو اسم علامه را فریاد می‌کند و وقتی دانشجو به دانشگاه خود دل‌بسته می‌شود تازه ارتباط ما با آن برقرار شده و آن وقت است اگر حرفی با او بزنم دیگر مرا بیگانه نمی‌بیند. وجود یک درصد خطا در این برنامه نباید ما را به سمت محافظه‌کاری سوق دهد تا به‌خاطر همین یک درصد از منافع ۹۹ درصدی غفلت کرده و زمین فرهنگ را به دشمنان کشور و کسانی که اصلا دلبستگی به کشور و جوانان ندارند، واگذار کنیم.

از نگاه شما نسل امروز دانشجو تا چه میزان پایبند به خطوط قرمز در دانشگاه‌ها بوده و نحوه نظارت بر آنها چگونه باید باشد؟

تا حد زیادی پایبند هستند. باید بگویم پیش‌بینی‌مان آن بود که برنامه‌های خارج از سالن به محض آغاز برنامه اصلی در سالن تعطیل شود؛ چراکه نظارت این‌گونه سخت می‌شود. یعنی به دنبال آن بودیم که برنامه‌های جانبی بعد از یک ساعت پایان یابد. البته در اینجا شاید برخی از همکاران کم‌دقتی کرده و این اتفاق رخ نداد. یعنی با وجود اینکه بخش زیادی از غرفه‌ها با آغاز برنامه اصلی تعطیل شدند، اما باز هم برخی از غرفه‌های دانشجویی در محوطه خارج از سالن، فعال بوده و در حیاط دانشگاه هم تجمعی از دانشجویان را داشتیم اما به محض اینکه از این مسئله مطلع شدیم تنها با یک جمله از زبان مدیرکل اجتماعی دانشگاه این موضوع پایان می‌یابد. می‌فهمیم که علی‌رغم برخی از بدبینی‌هایی که مدعیان مانند بنده! در برخی موارد داریم؛ چرا مقام‌معظم‌رهبری تا این اندازه به نسل جوان اعتقاد دارند. آینده ما با این جوانان روشن است به شرطی که ما مدیران دچار نسیان وظایفمان درقبال این نسل و محافظه‌کاری نشویم.